



از کوزه همان برون تراود که در اوست!



مهدی رضایی

چه هوایی! چه طلوعی! جانم!
باید امروز حواسم باشد
که اگر قاصدکی را دیدم
آرزوهایم را بدهم تا برساند به خدا
به خدایی که خودم می دانم
نه خدایی که برایم از خشم
نه خدایی که برایم از قهر
نه خدایی که برایم ز غضب
ساخته اند
به خدایی که خودم می دانم
به خدایی که دلش پروانه ست
و به مرغان مهاجر
هر سال راه را می گوید
و به باران گفته ست
باغها تشنه شدند
و حواسش حتی
به دل نازک شب بو هم هست
که مبدا که ترک بردارد
به خدایی که خودم می دانم
چه خدایی! جانم!

سهراب سپهری



جوان بودیم و جویای نام و حتی جوان بودیم و خام، چم‌وخم معلمی نمی‌دانستیم. اولین سال ورودم به مدرسه بود. قرار بود رویداد بزرگی در آنجا برگزار شود؛ هر کلاس باید برنامه‌ای برای سرگرمی و البته آموزش باقی کلاس‌های همین پایه اجرا می‌کرد. بخشی از برگزاری این رویداد هم به عهده‌ی کلاس ما گذاشته شده بود. در تکاپوی همفکری با دانش‌آموزان و آماده‌سازی برنامه‌های رویداد بودیم که در جلسه‌ی معلمان، یکی از همکاران باتجربه‌ی مدرسه نکته‌ی دقیقی را گوشزد کرد: «باید خودمان معتقد باشیم که دانش‌آموزان می‌توانند چنین کار بزرگی انجام دهند. اگر خودمان قبول نداریم و فقط ظاهرسازی می‌کنیم، حتماً دانش‌آموزان هم درک می‌کنند و کار به نتیجه‌ی خوب نخواهد رسید. در واقع دانش‌آموزان به‌راحتی باطن ما را می‌فهمند.» این جمله انگیزه و نگرش ما را تغییر داد و همین تغییر اجرای خیلی خوبی را برایمان رقم زد. کاردستی را انتخاب کردیم.

اگر کلاس درس خودمان را جامعه‌ای کوچک در نظر بگیریم، ناگفته پیداست که باطن ما چقدر در رفتارهای دانش‌آموزان متجلی می‌شود. ما نباید خودمان را در سبک‌های متفاوت مدیریت کلاس و روش تدریس و... غرق کنیم؛ باید ابتدا بپذیریم که این رابطه کاملاً مستقیم و محکم است. پس لازم است قبل از تدریس به روش مشارکتی، به اهمیت و تأثیر مشارکت دانش‌آموزان در یادگیری باور داشته باشیم یا مثلاً قبل از مدیریت کلاس به روش تقسیم مسئولیت، باید یقین داشته باشیم که سپردن مسئولیت به دانش‌آموزان پر فایده است. چنین نگاهی انتخاب روش نوین را اثربخش می‌کند، در غیر این صورت همه تجربه داریم که وقتی دلمان همراه کاری نیست، انتظار نتیجه هم از آن نداریم. دیگر از بحث ظاهر گذر کرده‌ایم. همه می‌دانیم ظاهر ما بر دانش‌آموزان اثر دارد. اکنون دغدغه‌ی ما باطن معلمی است؛ زیرا از کوزه همان برون تراود که دروست!

دانش‌آموزان کلاس چند کاردستی ساده ولی جذاب برای آموزش به سایر هم‌پایه‌ای‌ها پیشنهاد دادند. در روز اجرا هم به خوبی از عهده‌ی کار برآمدند و اجرای خیلی جذابی را به نمایش گذاشتند.

آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه می‌گویند: «مسئولان که رهبران فکری و اسلامی جامعه هستند، به‌منزله‌ی قوای فکری یک بدن هستند، یعنی به‌منزله‌ی چشم و گوش‌اند، به‌منزله‌ی عقل و هوش‌اند، به‌منزله‌ی فطرت و فکرند که بدن را اداره می‌کنند.» ایشان تصریح می‌کنند: «در جریان رابطه‌ی روح و بدن، هر رازی که در روح پیدا باشد، بدن عکس‌العمل نشان می‌دهد. اگر گفتند ظاهر مردم، باطن مسئولان است، بر اساس این تحلیل است.»

در این شماره از مجله به سراغ موضوعاتی درباره‌ی کلاس‌داری، روش تدریس و سایر مسائل مرتبط رفته‌ایم. طبق معمول کمی مطالب علمی و چند تجربه از همکاران محترم آموزش ابتدایی در سراسر کشور می‌خوانیم و امید داریم در کنار شما همراهان همیشگی مجله بتوانیم گامی به پیش برداریم. از یکایک همکاران محترمی که با مشارکت خود به غنای نشریه کمک می‌کنند، متشکریم. از شما خواننده‌ی محترم هم دعوت می‌کنیم در صورتی که تمایل دارید به جمع نویسندگان و پدیدآورندگان نشریه رشد آموزش ابتدایی بپیوندید، رشد آموزش ابتدایی بستر یادگیری جمعی ما آموزگاران ابتدایی است.

پی‌نوشت